

تصادف آقا زاده با قانون
درباره ماجرای پسر علی نیکزادخودکشی ناموفق در زندان
تتلو در بیمارستان بستری شدتوقیف نماوا و سووشون
دستور جدید علیه شبکه خانگیقهرمان سازی
یا دفاع از مجرم؟!استقبال محدود از
غلامرضا قاسمیان
این شائبه را به وجود آورد که
می توان روابط استراتژیک
دو کشور را به نقطه جوش رساند
یا حتی برهم زد،
اما به محکمه نرفت

یادداشت روز

وهن دین

از وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات
تا مشاوران فرهنگی ریاست جمهوری باید نسبت به
نمایش «شبیه سازی جهنم» حساسیت نشان دهند

فرزانه ترکان

عضو شورای مرکزی و معاون فرهنگی دبیرکل
حزب کارگران سازندگی ایران

در روزهای اخیر، خبری در فضای رسانه‌ای کشور داغ شد که نه تنها موجب تعجب بلکه باعث نگرانی و ناراحتی بسیاری از مردم و صاحب نظران شد. موضوع، راه اندازی مکانی نمایشی با هدف «شبیه سازی جهنم» است؛ طرحی که ابتدا، آن چنان جدی به نظر نمی رسید و تصور بسیاری بر آن بود که فقط یک ایده یا طرح خام است اما با گذشت زمان مشخص شد که هزینه هایی برای آن انجام شده، پیش بینی هایی صورت گرفته است و اکنون در آستانه اجرا قرار دارد. این اتفاق، نمادی از یک تصمیم شتاب زده، فاقد پشتوانه فرهنگی و جامعه شناسانه است که به جای نزدیک کردن مردم به دین، موجب تمسخر و دل زدگی از مفاهیم دینی شده است.

در بررسی چنین طرح هایی، نخستین سوالی که باید پرسیده شود، آن است که از اساس در کدام اتاق فکر این تصمیم گرفته شده است؟ اگر چنین اتاق فکری وجود داشته، باید گفت که نسبت به بدیهی ترین اصول طرح ریزی فرهنگی و اجتماعی بی توجهی کامل داشته است. طرح هایی از این دست نه تنها کارکرد مثبتی ندارند بلکه پیشاپیش می توان پیش بینی کرد که نتیجه ای معکوس خواهند داشت. این نوع نگاه به دین، بیش از آنکه ترویج دهنده معنویت و خداگرایی باشد، تضعیف کننده باورهای عمومی و تحقیر اعتقادات مردم است.

در شرایطی که جامعه با حجم عظیمی از مشکلات اقتصادی، معیشتی و روانی دست و پنجه نرم می کند، اجرای چنین پروژه هایی، نشان دهنده بی تدبیری و بی سلیقه گی در تصمیم گیری فرهنگی است؛ درحالی که مردم از دردها و مصایب روزمره زندگی به ستوه آمده اند، قرار دادن آنها مقابل صحنه هایی از رنج مضاعف- آن هم با ادعای نمایشی از جهنم- نه تنها تسکین دهنده نیست بلکه احساسات آنان را جریحه دار می کند.

موضوع، تنها تضاد با شرایط روانی و اجتماعی مردم نیست حتی از منظر دینی نیز طرح با اشکالات بنیادین مواجه است. اینکه نهادی بخواهد تصویری فیزیکی از جهنم به نمایش بگذارد، یعنی تفسیر خود ساخته ای را به عموم مردم تحمیل کند؛ تفسیری که نه تنها ممکن است نادرست باشد بلکه می تواند خطرناک هم باشد چراکه با چنین نمایش هایی، چهره خشنی از دین به نمایش درمی آید؛ چهره ای که به جای ایجاد محبت الهی، رعب و وحشت را تزریق می کند.

به ویژه در مواجهه با نسل جدید که اصول تربیتی، فکری و دینی متفاوتی از نسل گذشته دارد، نیاز به اقناع عقلانی و ارائه محتوای باورپذیر است. نسل امروز نمی پذیرد که بدون استدلال و منطق، مفاهیم اعتقادی را بپذیرد؛ با این حال اجرای چنین طرح هایی می تواند، آخرین رشته پیوند باقی مانده برخی جوانان با باورهای دینی را نیز از بین ببرد. اگر پیش تر روزنه ای برای گفت و گو درباره دین در ذهن آنان باقی مانده بود، این نمایش های توهین آمیز و خام می تواند آن را به کلی مسدود کند.

سوال اساسی تر آن است که در وضعیت فعلی جامعه، آیا از اساس، نیازی به این نمایش ها وجود دارد؟ چه ضرورتی ایجاب می کند که به جای تمرکز بر ترویج ارزش های الهی همانند رحمت، مهربانی، بخشش و انسان دوستی، انرژی و بودجه مان را صرف شبیه سازی صحنه هایی از جهنم کنیم؟ قرار است چه چیزی با این نمایش القا شود؟ آیا ترس از جهنم می تواند به تتهایی راهکاری موثر برای اصلاح اخلاقی جامعه باشد؟ پاسخ، منفی است.

ادامه در صفحه ۲

پیروزی صبر و امید

تیم فوتبال استقلال تهران پس از فراز و فرودهای بسیار، قهرمان جام حذفی کشور شد
جامعه ایران و هواداران این تیم، شباهت های بسیاری با یکدیگر دارند
از همین رو سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است که
صبر، امید و تمرکز بر نقشه راه، چگونه می تواند عامل دستیابی به موفقیت شود؟

سعید خوش بین

گروه اقتصاد

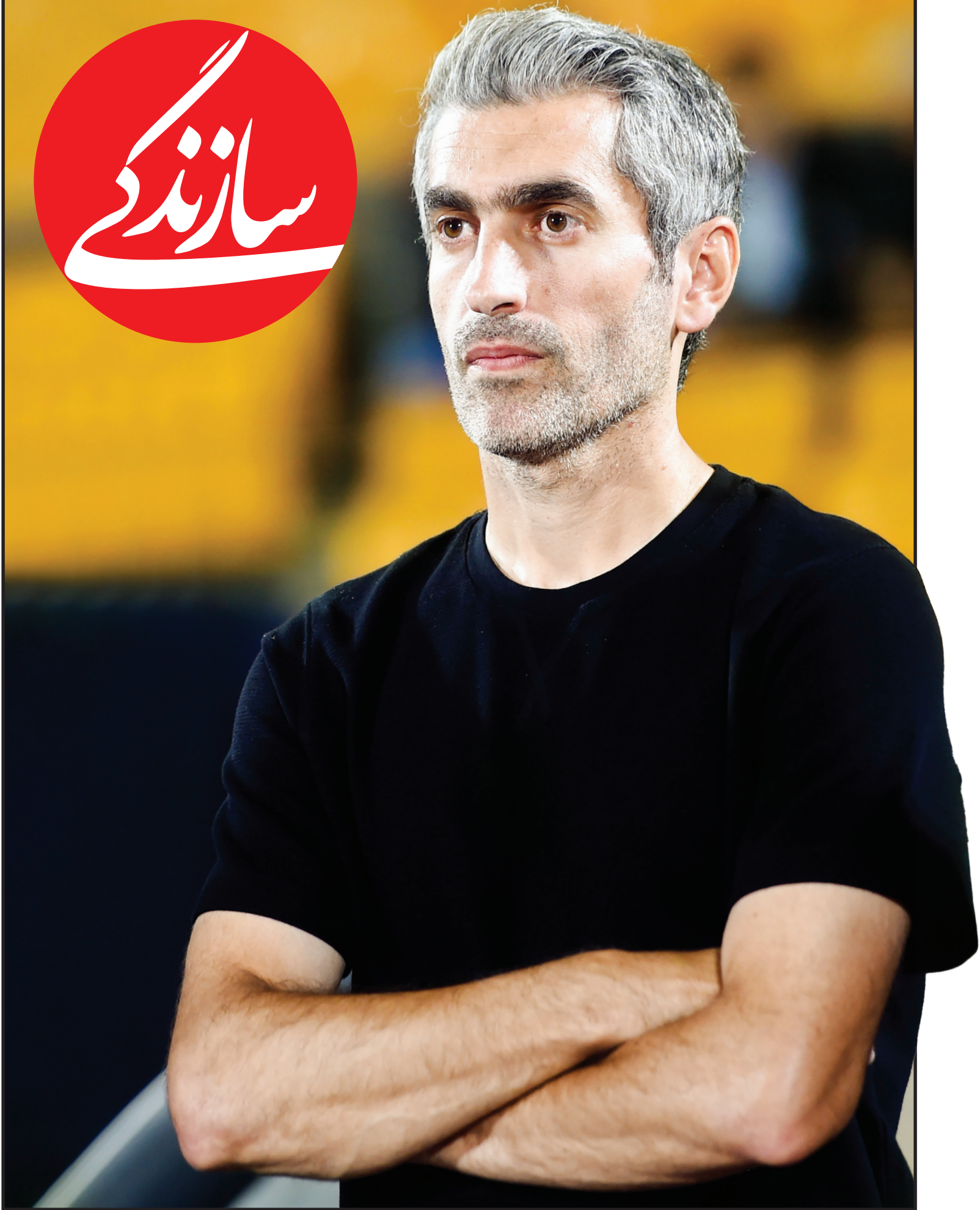
گل دقیقه ۱۱۹ و قفل بزرگی که سرانجام
باز شد؛ شسوتی که «روزیه چشمی» در
ثانیه های آخر بازی به سمت دروازه ملوان

شلیک کرد، بغض میلیون ها هوادار آبی را ترکاند. به این ترتیب، هواداران استقلال که در بدترین روزهای تاریخ، پای تیم زخمی خود ایستادند، مزد صبر و امید خود را گرفتند و شب را با جام قهرمانی به صبح رساندند. آن گل،

نه فقط یک شوت از روزیه چشمی بلکه انفجار احساسات سرکوب شده هوادارانی بود که میان توفان مشکلات مالی و ناکامی های لیگ همچنان به استقلال ایمان داشتند. وقتی توپ از پای چشمی جدا شد و به تور دروازه

ملوان بوسه زد، استادیوم منفجر شد و اشک و لبخند در چهره میلیون ها هوادار آبی درهم آمیخت. آن لحظه، نتیجه صبر، وفاداری و عشقی بود که هواداران به تیم شان هدیه کرده بودند.

ادامه در صفحه ۶

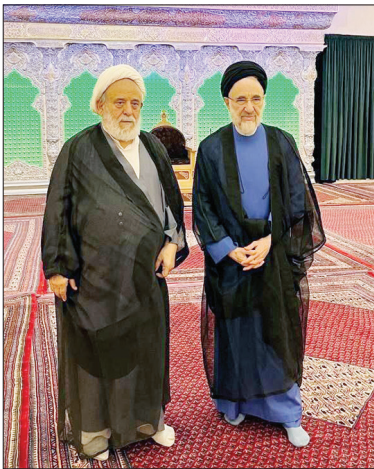




گزارش روز

ملاقات سید و خطیب

سیدمحمد خاتمی
به دیدار شیخ حسین انصاریان رفت



تصاویری از دیدار صمیمانه و پراحساس سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین کشور و سیدمحمدعلی ابطی، رئیس دفتر او در دوران دولت اصلاحات با حجت‌الاسلاموالمسلمین شیخ حسین انصاریان، خطیب شناخته‌شده و نام‌آشنای روزگار ما، منتشر شده است.

این دیدار، که در فضایی دوستانه و برگزار شد، با خبر ابطی به‌سرعت در فضای مجازی انتشار گسترده پیدا کرد. «سیدمحمدعلی ابطی» با انتشار تصویری از این دیدار در کانال تلگرامی خود از گفت‌وگوهای صمیمی میان خاتمی و انصاریان سخن گفت و نوشت: «با آقای خاتمی رفتیم دیدن آقای شیخ حسین انصاریان، پیر عارفان ایران. صحبت از آثار و تالیفات فراوان ایشان شد.»

ابطی در ادامه، تأکید کرد که اگرچه منبری‌ها معمولاً با تالیفات علمی و معنوی خود شناخته نمی‌شوند اما شیخ حسین انصاریان از این قاعده مستثناست و مجموعه‌ای غنی از آثار معنوی و عرفانی را در کارنامه دارد.

او در توصیف شخصیت این خطیب محبوب بر عمق معرفت، سادگی گفتار و تأثیرگذاری کلام او تأکید کرد و افزود: «خودم از دوران مدیریت رادیو تا به امروز، عاشق صدای بانمک و حرف‌های متفن شیخ حسین بوده‌ام».

در بخش دیگری از این دیدار، شیخ حسین انصاریان خاطره‌ای تامل‌برانگیز از دوران منبر خود در امام‌زاده صالح نقل کرد؛ او گفت که زمانی به او خبر رسید چند زن بی‌حجاب همراه با سگ، پای منبر او آمده‌اند.

با این حال، با سعه‌صدر به مسئولان گفته است که کاری با آنها نداشته باشند؛ این رفتار او مورد تحسین خاتمی قرار گرفت. رئیس‌جمهور اسبق ایران نیز در ادامه بر اهمیت رویکرد عقلانی و رحمانی در تبلیغ دین تأکید کرد و گفت: «هر جا بتوانیم با عقلانیت و محبت از دین دفاع کنیم و مخاطبان را به سخن مذهبی جذب کنیم، راهی صواب و پربرکت رفته‌ایم».

در پایان این دیدار، خاطراتی هم از منبری‌ها و اشتباه‌های ناخواسته‌شان با شوخی و خنده گفته شد و ابطی با داعی برای سلامتی و طول عمر شیخ حسین انصاریان، این دیدار را به خاطره‌ای ماندگار در ذهن دوست‌داران دین، عرفان و اصلاح‌طلبی تبدیل کرد.

قهرمان‌سازی یا دفاع از مجرم؟!

استقبال محدود از غلامرضا قاسمیان این شائبه را به‌وجود آورد که می‌توان روابط استراتژیک دو کشور را به نقطه جوش رساند یا حتی برهم زد، اما به محکمه نرفت



رسیده است که هر دو طرف مایل به حفظ فضای همکاری هستند حتی اگر در این میان، برخی چهره‌ها اظهاراتی خلاف جریان بیان کنند. سعودی‌ها با آزادسازی قاسمیان، اعطاف خود را نشان دادند اما به وضوح، انتظار دارند که زائران ایرانی به قوانین و خط‌قرمزهای مذهبی و سیاسی‌شان احترام بگذارند؛ از سوی دیگر، موضع مسئولان در کشور نیز حاکی از این است که در شرایط فعلی، دیپلماسی منطقه‌ای بر هر نوع واکنش تند یا رفتار تقابلی ارجحیت دارد. توصیه رئیس سازمان حج و زیارت به زائران مبنی بر پرهیز از هرگونه اقدامی که به تفرقه منجر شود بیش از آنکه یک سفارش اخلاقی باشد، بیانه‌ای دیپلماتیک در سطح عمومی محسوب می‌شود.

اما سوال مهم‌تر همچنان باقی است؛ وقتی ایران سعی دارد نقش فعال‌تری در هم‌گرایی منطقه‌ای ایفا کند باید چه برخوردی با چهره‌هایی شود که با اظهاراتی تند و بدون در نظر گرفتن ملاحظات دیپلماتیک، زمینه‌ساز تش می‌شوند؟ آیا باید آزادی‌شان به معنای صحت گفتارشان تعبیر شود؟ و آیا بی‌توجهی به نهادهای ملی در مراسم استقبال از آنها نباید مورد بررسی دقیق‌تری قرار گیرد؟ داستان غلامرضا قاسمیان، اگرچه با آزادی او پایان یافت اما در واقع، آغازگر سوالات عمیق‌تری درباره نقش چنین افرادی در عرصه سیاسی، تعامل فرهنگی در سفرهای زیارتی و مهم‌تر از همه، جایگاه منافع ملی در مواجهه با تش‌هایی از این قبیل است. در شرایطی که منطقه بیش از هر زمان دیگر نیازمند آرامش، گفت‌وگو و همدلی است، اظهارات فردی نمی‌تواند جایگزین دیپلماسی رسمی شود. سعودی‌ها پیام خود را با آزادی قاسمیان فرستادند؛ پیامی که نه از موضع ضعف بلکه به نشانه بلوغ سیاسی فرستاده شد. از این پس انتظار می‌رود هر مسافری از ایران، حامل احترام به قانون کشور میزبان باشد حتی اگر آن کشور، رقیب تاریخی تلقی شود.

بی‌اعتنا به هویت ایرانی

نکته‌ای که در این میان، بسیار مورد توجه قرار گرفته است، نحوه مواجهه طلاب حوزه علمیه با بازگشت قاسمیان است؛ تعدادی از طلاب حوزه «مشکات» در فرودگاه به استقبال او رفتند اما نکته تامل‌برانگیز اینجاست که به نظر می‌رسید وی پس از ورود به کشور به دلیل اظهاراتش که موجب خدشه به امنیت ملی بود، بازداشت شود. اما عده‌ای به استقبال او رفتند و از قاسمیان قهرمان ساختند! این غیبت نمادین، آیا از روی تعمد بود؟ آیا طلاب استقبال‌کننده خود را نمایندگان یک جریان فراملی می‌دانند که به هویت ایرانی بی‌اعتنا هستند؟ یا شاید اصولاً نخواستند ماجرا را به یک حرکت رسمی ملی تبدیل کنند؟ در هر صورت، این تصمیم یا غفلت، ناخواسته به بازتاب تصویری انجامید که از زاویه‌ای، نوعی فاصله‌گذاری با نمادهای رسمی ایران تلقی شد.

ماجرای قاسمیان در شرایطی اتفاق افتاد که صدور ویزای زائران ایرانی نیز به‌طور موقت، متوقف شده بود؛ گرچه برخی مقامات در ایران از «اختلالات فنی» سخن گفتند اما محمدحسین رجبران، مشاور وزیر امور خارجه به‌طور لویحی، توقف صدور ویزا را به اظهارات قاسمیان مرتبط دانست. پس از تلاش‌های دیپلماتیک، مشکل صدور ویزا برای ۱۰ هزار زائر باقی‌مانده نیز در حال حل شدن است؛ این درحالی است که علیرضا بیات، نماینده سازمان حج و زیارت ایران با وزیر کشور عربستان دیدار کرد. در این دیدار، وزیر کشور عربستان ضمن ابراز خرسندی از روابط دوستانه با ایران، قول همکاری کامل برای رفع مسائل زائران ایرانی را داد. از سوی دیگر، مجتبی شضتی‌کریمی، مدیرکل کنسولی وزارت امور خارجه، آزادی قاسمیان و ندیمی (دو شهروند بازداشت‌شده) را به‌صورت رسمی اعلام کرد. همه این تحولات نشان می‌دهند که روابط تهران و ریاض به مرحله‌ای

هدا احمدی

گروه سیاسی



در بجهوحه بازگشت آرام روابط ایران و عربستان و در شرایطی که دیپلماسی در سطح بالا میان دو کشور جریان دارد، آزادی یک روحانی بازداشت‌شده در مدینه توسط سعودی‌ها، نتهتا دوباره خبرساز شد بلکه با واکنش‌های فرهنگی، سیاسی و رسانه‌ای گسترده‌ای هم روبه‌رو شد. غلامرضا قاسمیان، روحانی اصول‌گرا که با انتشار ویدئویی جنجالی در مدینه به مقامات سعودی تاخته بود، حالا در حالی به ایران بازگشته است که سعودی‌ها او را بدون ارجاع به دادگاه و در سایه روابط دوستانه آزاد کرده‌اند اما استقبال طلاب قم از او، بیشتر به سکوتی ملی شبیه بود تا جشن بازگشت یک چهره سیاسی یا مذهبی.

روز پنج‌شنبه (۸ خرداد ۱۴۰۴) پلیس مدینه اعلام کرد که غلامرضا قاسمیان، روحانی ایرانی‌ای که در مدینه بازداشت‌شده بود با مساعدت مقامات ارشد سعودی و بدون ارجاع به دادگاه، آزاد شده و به ایران بازگشته است. این خبر اگرچه در وهله نخست، یک موضوع کنسولی به‌نظر می‌رسید اما در بافت سیاسی کنونی ایران و عربستان، معنایی فراتر از آزادی یک زندانی عادی دارد.

در ماهه‌ای که ایران و عربستان پس از سال‌ها تش، روابط دیپلماتیک خود را بازسازی کرده‌اند و هیات‌های دیپلماتیک دو کشور در حال تثبیت همکاری‌های منطقه‌ای هستند، آزادی قاسمیان را باید به‌عنوان یک پیام آشکار سعودی‌ها به تهران تلقی کرد؛ پیامی که از یک‌سو، نرمش آنها مقابل ایران را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، درخواست تلویحی برای احترام به اصول و مقررات داخلی پادشاهی عربستان است.

غلامرضا قاسمیان از روحانیون منتسب به جریان اصول‌گرایی و چهره‌ای شناخته‌شده نزدیک به طیف پایداری، پیش از بازداشتش، ویدئویی در مدینه منتشر کرد که در آن، حاکمان عربستان را «کاسیان و غاصبان قبله» نامیده بود و از وجود مراکز فساد و فحشا در مکه و مدینه سخن گفته بود؛ اظهاراتی تند و بی‌سابقه که نتهتا در فضای سیاسی کشور بازتاب پیدا کرد بلکه بلافاصله پس از آن با بازداشت او از سوی نیروهای امنیتی عربستان همراه شد. درحالی که در گذشته، ممکن بود چنین تش‌هایی به پیچیده شدن روابط بین دو کشور منجر شود اما این بار، مقامات در ایران ازجمله وزارت خارجه و سازمان حج و زیارت تأکید کردند که این اتفاق، تأثیری بر مناسبات دو کشور نخواهد گذاشت. شاید همین موضع رسمی به سعودی‌ها نیز این پیام را داد که آزادی قاسمیان بیش از آنکه ضعف تلقی شود، یک گام در مسیر تقویت اعتمادسازی با ایران خواهد بود.

ادامه یادداشت روز

وهن دین

ایسن طرح‌ها، نتهتا نمی‌توانند جامعه را به سوی تعالی اخلاقی سوق دهند بلکه خوراک مناسب برای مخالفان دین و فرهنگ دینی فراهم می‌کنند. فضای مجازی پر از تمسخر و طنزهایی شده است که با استناد به این طرح، باورهای دینی مردم را به سخره گرفته‌اند. کسانی که پیش‌تر نیز با آموزه‌های دینی مخالفت داشتند اکنون با اطمینان بیشتری می‌توانند دستاویزی برای تحقیر پیدا کرده و از ضعف عملکرد فرهنگی کشور بهره‌برداری کنند. در حال حاضر، کشور با چالش‌های واقعی و عینی در حوزه فرهنگی روبه‌رو است. سال‌هاست که فریاد زده می‌شود، کار فرهنگی موثری انجام نشده‌ای دست‌کم روش آن نادرست بوده است. اکنون که زمان بازیابی و آسیب‌شناسی عملکردهاست چرا بودجه و نیروی انسانی را هزینه طرح‌هایی می‌کنیم که حتی کودکان هم نیستند بلکه

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ترجمان مرگ، حضور جاودانه انسان در محضر خداست

خاندان معزز هاشمی رفسنجانی

ضایعه درگذشت حاج‌احمد هاشمی‌بهرمان باعث تاث‌ر و تالم فراوان گردید.

بدین‌وسیله مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید.

برای ایشان، رحمت و غفران واسعه الهی و برای شما و آن خانواده محترم، صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

حزب کارگزاران سازندگی ایران

فرهنگی که از بیت‌المال بودجه دریافت می‌کنند، یا در برابر این اقدامات سکوت کرده‌اند یا حتی در حال تبلیغ آن هستند. این نهادها- از وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی تا مشاوران فرهنگی ریاست‌جمهوری- باید حساسیت نشان دهند و واکنش لازم را ارا‌نه دهند. اما گویا هیچ‌کدام هنوز نپذیرفته‌اند که این نمایش، اشتباهی بزرگ و پرهزینه بوده است. درنهایت شاید تنها نقطه امید، بیداری افکار عمومی و گسترش رسانه‌های مردمی باشد. اکنون با وجود موبایل‌ها، دوربین‌ها و شبکه‌های اجتماعی هیچ چیز در تاریکی نمی‌ماند. مردم خود قضاوت می‌کنند و از مسئولان پاسخ می‌خواهند. و این آگاهی عمومی است که می‌تواند روزی عامل بازخواست جدی از کسانی باشد که چنین نمایش‌هایی را طراحی، تأمین مالی و اجرا کرده‌اند. نمایش جهنم، نتهتا تصویر نادرستی از دین ارانه می‌دهد بلکه نمادی است از گم‌گشتگی فرهنگی در سیاست‌گذاری‌ها. اگر قرار است از دین دفاع شود باید با منطق، عطفوت و درک صحیح از جامعه امروز باشد؛ نه با ترس، رعب و تحقیر عقل عمومی.



سال هشتم شماره ۱۹۸۲
شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۴

بررسی تحولات جهان

افق



پاسخ اسرائیل در ذات خود یعنی تأیید حضور نظامی، تداوم کشتار و گرسنگی حتی در دوره آتش‌بس موقت که پاسخ‌گوی هیچ‌یک از خواسته‌های مردم ما و در راس آن، توقف جنگ و گرسنگی نیست اما با این وجود، او تأکید کرده است که رهبری حماس پاسخ به این پیشنهاد را با مسئولیت ملی تمام بررسی می‌کند.

ماکرون و کشور مستقل فلسطین

نکته مهم و پایانی، این است که در این شرایط، فرانسه موضع جدیدی اتخاذ کرده که تأکید بر به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین است. «امانوئل ماکرون»، رئیس‌جمهور فرانسه در این خصوص اعلام کرده است که «اگر در سطح بشردوستانه، پیشرفتی حاصل نشود، مصمم هستیم موضع خود را در قبال اسرائیل سخت‌تر کنیم. به رسمیت شناختن کشور فلسطین تحت شرایط خاص، یک وظیفه اخلاقی و یک مطالبه سیاسی است».

شرق آسیا

بن‌بست مذاکرات تجاری

توقف مذاکرات تجاری واشنگتن-چین منجر به دیدار ترامپ و شی می‌شود؟

دو هفته پس از آنکه مذاکرات آمریکا و چین به آتش‌بس موقت در جنگ تجاری ایسن دو اقتصاد بزرگ دنیا منجر شد، اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری ایالات‌متحده اعلام کرد که گفت‌وگوها به‌کندی پیش می‌رود و انتظار دارد که در هفته‌های آینده، مذاکرات بیشتری انجام شود اما به هر ترتیب باید آن را توقف این مذاکرات بدانیم. وزیر خزانه‌داری آمریکا اظهار کرد که به‌اعتقاد من، شاید لازم باشد که تماسی میان رئیس‌ان جمهور آمریکا و چین برقرار شود.

او افزود که با توجه به حجم گفت‌وگوها و پیچیدگی آنها، رئیس‌ان جمهوری دو کشور ورود کنند. آنها روابط خوبی دارند و یقین دارم که وقتی ترامپ خواسته‌های خود را مطرح کند، طرف چینی نیز به میز مذاکره خواهد آمد؛ این در حالی است که آمریکا بر کالاهای چینی، تعرفه ۱۴۵ درصدی وضع کرد و چین نیز در اقدامی تلافی‌جویانه، تعرفه بر کالاهای آمریکایی را ۱۲۵ درصد افزایش داد. طرفین توافق کرده‌اند که اجرای این تعرفه‌ها را به‌مدت ۹۰ روز به‌تعویق اندازند و مذاکراتی برای حل اختلافات تجاری انجام دهند.

ترامپ بسیاری دیگر از کشورها را هدف تعرفه‌های خود قرار داده است؛ هفته گذشته نیز تهدید کرد که تعرفه ۵۰ درصدی بر کالاهای اتحادیه اروپا وضع خواهد کرد. دیوان تجارت بین‌الملل در آمریکا، هفته جاری در حکمی اعلام کرد: «ترامپ در مساله تعرفه‌ها، پا را فراتر از اختیارات خود گذاشته است.

قانون اساسی آمریکا اجازه وضع قوانین و مقررات در حوزه تجارت با سایر کشورها را فقط به کنگره داده است؛ این تعرفه‌ها جایز نیست»؛ اما کمتر از ۲۴ ساعت بعد، دادگاه فدرال استیناف اجرای این حکم را به‌صورت موقت، متوقف کرد.

فاکس‌نیوز



پس از پذیرش توافق آتش‌بس توسط حماس به غزه ارسال خواهد شد؛ هرگونه توافقی که در مورد کمک به جمعیت غیرنظامی حاصل شود، در مدت دوره توافق رعایت خواهد شد و کمک‌ها از طریق کانال‌های توافق شده، ازجمله سازمان ملل متحد و هلال احمر، توزیع خواهد شد. همچنین در مورد فعالیت نظامی ارتش اسرائیل گفته شده است که تمام فعالیت‌های نظامی آنها در غزه با لازم‌الاجرا شدن این توافق متوقف خواهد شد؛ همچنین در مدت دوره آتش‌بس، حریم هوایی اسرائیل (نظامی و شناسایی) در نوار غزه به مدت ۱۰ ساعت در روز یا ۱۲ ساعت در روز در مدت روزهای تبادل اسرا و مفقودان متوقف خواهد شد. البته موارد دیگری نیز در این طرح پیشنهادی همانند وضعیت آزادی اسرای فلسطینی ضامن‌های اجرای آتش‌بس، مدل ادامه مذاکرات و... نیز مورد اشاره قرار گرفته اما به هر ترتیب این طرح از سوی حماس مورد تأیید قرار نگرفته است. در این خصوص «باسم نعیم»، عضو دفتر سیاسی جنبش حماس اعلام کرده است که

تایید و رد طرح ویتکاف

بدون در نظر گرفتن بحران انسانی مذکور باید توجه داشت که در چنین شرایطی، «استیو ویتکاف»، فرستاده رئیس‌جمهور ایالات‌متحده به خاورمیانه، طرحی را برای آتش‌بس و تبادل اسرا مطرح کرده که از سوی اسرائیل مورد تأیید قرار گرفته است. در این طرح آتش‌بس ۶۰ روزه با تضمین تعهد اسرائیل به آتش‌بس توسط رئیس‌جمهور ترامپ در مدت دوره توافق مطرح شده است. در مورد تبادل زندانی‌ها، اعلام شده است که ۱۰ زندانی زنده اسرائیلی و ۱۸ زندانی جان‌باخته از فهرست ۵۸ زندانی در روزهای اول و هفتم آزاد شوند. نیمی از زندانیان زنده و جان‌باخته (پنج نفر زنده و ۹ نفر جان‌باخته) در روز نخست توافق آزاد خواهند شد و نیمی دیگر (پنج نفر زنده و ۹ نفر جان‌باخته) در روز هفتم آزاد خواهند شد. در مورد کمک‌های بشردوستانه نیز گفته شده است که این کمک‌ها بلافاصله

فانتزی‌های ترامپ

اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا در خصوص تاسیسات هسته‌ای ایران و نزدیک بودن توافق مورد انتقاد مقامات تهران قرار گرفت

گروه بین‌الملل: سخنان اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور

ایالات‌متحده در مورد توافق با ایران و حتی مدل مدنظر او جدیدترین موضع‌گیری عالی‌ترین مقام واشنگتن است که در بطن خود، نوعی تندخویی و رادیکالیزاسیون را به همراه دارد. او شش‌مگاه چهارشنبه به‌وقت محلی به تماس تلفنی اخیرش با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل اشاره کرد و گفت که «به نتانیاهو درباره حمله به ایران هشدار دادم و به او گفتم که ما به یک توافق و راه‌حل نزدیک هستیم و ایران خواستار یک توافق است». به گزارش ایسنا، «ترامپ» گفت: «توافق با ایران، احتمالاً در هفته‌های آتی، حاصل می‌شود و من به نتانیاهو این مساله را عنوان کردم که ما به راه‌حل در خصوص ایران نزدیک هستیم. من همچنین به او گفتم که انجام اقدامات علیه ایران نامناسب است؛ زیرا ما به توافق نزدیک هستیم البته شاید این مساله تغییر کند اما فکر می‌کنم آنها در حال حاضر می‌خواهند به یک توافق برسند». رئیس‌جمهور ایالات‌متحده مدعی شد که «اگر با ایران به توافق برسیم، جان بسیاری نجات خواهد یافت و احتمالاً این توافق طی یک یا دو هفته آینده اتفاق خواهد افتاد.» ترامپ در ادامه سخنان خود با اشاره به شیوه مدنظر خود در رابطه توافق هسته‌ای با ایران اظهار کرد که «هیچ اعتمادی وجود ندارد و من به هیچ‌کس اعتماد ندارم. من می‌خواهم تا آنجا که بتوانم با بازرسان به این پرونده ورود پیدا کنیم و نظارت سخت‌گیرانه داشته باشیم. من خواهان توافقی هستم که امکان بازرسی، دسترسی کامل و حتی انهدام تاسیسات در صورت لزوم را فراهم آورد؛ البته بدون اینکه به کسی آسیب برسد. ما همچنین می‌توانیم هر چیزی را که بخواهیم، منفجر کنیم اما کسی کشته نمی‌شود. ما می‌توانیم یک آزمایشگاه را منفجر کنیم اما هیچ‌کس قرار نیست در آزمایشگاه باشد، برخلاف اینکه همه در آزمایشگاه هستند و آن را منفجر می‌کنند».

عراقچی: در نقطه توافق قریب‌الوقوع نیستیم

اظهارات ترامپ را باید به دو سطح تقسیم‌بندی کرد. سطح اول مربوط به نزدیک بودن هرگونه توافق میان آمریکا و ایران است که ترامپ اعلام کرده که در گفت‌وگوی تلفنی اش با نتانیاهو بدان اشاره کرده است. اما سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه کشورمان نظر دیگری در این خصوص دارد و به‌نوعی این ادعای ترامپ و حتی برخی دیگر از رسانه‌های خارجی را رد کرده است. عراقچی (پنج‌شنبه) در «ایکس» نوشت: «رسانه‌ها همچنان در حال گمانه‌زنی درباره توافقی قریب‌الوقوع میان ایران و آمریکا هستند. مطمئن نیستم که واقعا در چنین نقطه‌ای قرار داشته باشیم». رئیس‌دستگاه دیپلماسی کشورمان

و اشغال‌گر، مانع از تحقق خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی می‌شوند، مخالف سرسخت سلاح هسته‌ای و سایر تسلیحات کشتار جمعی بوده و بانی و حامی ثابت‌قدم ایده عاری‌سازی منطقه غرب آسیا از تسلیحات کشتار جمعی است».

واکنش ششمانی به سخنان ترامپ چه بود؟

اما سطح دوم سخنان ترامپ به‌نظر او در مورد ابعاد هرگونه توافق با ایران برمی‌گردد که نوعی رادیکالیزه بودن دیدگاه او را به تصویر می‌کشد. اینکه رئیس‌جمهور آمریکا با صراحت اعلام می‌کند که خواهان نظارت گسترده بازرسان بر تاسیسات هسته‌ای ایران است سپس سخن از انهدام و انفجار به میان می‌آورد، موضعی است که می‌تواند پیچیدگی ابعاد مذاکرات جاری را بیشتر کند. در این خصوص علی ششمانی، مشاور سیاسی رهبر انقلاب در واکنش به این سخنان ترامپ در حساب کاربری خود در «ایکس» نوشت: «آرزوی دسترسی به مراکز هسته‌ای ایران و انفجار تاسیسات، رویایی است که روسای جمهور قبلی آمریکا هم در توهم آن بودند. ایران کشوری مستقل با ساختار دفاعی مستحکم، مردمی مقاوم و خطوط قرمز روشن است. مذاکره، ابزار پیشرفت و حفظ منافع و عزت ملی است؛ نه تحمیل و تسلیم». با تمام این تفاسیر باید منتظر بود و دید که در ششمین دور مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا، چه رخ خواهد داد.

گزارش:سخنرانی

صلح در وضعیت ناصح

سخنرانی **مقصود فراستخواه** در همایش بین‌المللی صلح



نقش خاندان جویی در دوره مغول

او با بیان اینکه خاندان جویی در دوره مغول روح سازگاری داشتند که توانستند تدبیر دولت را فراهم آورند، گفت: «تاریخ جهانگشای جویی نمونه بارز این مبحث است. عظاملک جویی جوانی بود که وارد دستگاه امیر ارغوان شد، رشد کرد و هوش و نبوغ ایرانی را نشان داد که درون دستگاه مهاجم رفت و آن را به تدبیر دولت سوق داد. به تدبیر عظاملک جویی زیرساخت‌ها حفظ شد، کاریزها ساخته شد، شهرهایی با سیستم آبیاری توسعه پیدا کرد و حمایت‌های اجتماعی برای ایرانیان به راه انداخت؛ مثلاً در آن زمان برای هر تألیف ۱۰۰ دینار زر سرخ تعریف کرد و دانشمندان و فضلا را حمایت کرد که نام افرادی مثل خواجه نصیر طوسی، صدرالدین ارموی، سعدی و... در این دوره می‌درخشد. بنابراین ایرانیان خاندان‌ها و نهادهای اجتماعی داشتند که تولید هنجار، رابطه و عقلانیت می کردند و در شرایط ناصح تا جایی که می‌توانستند دوری از صلح، ثبات، تولید و زندگی را در این سرزمین ایجاد و مراقبت می‌کردند.»

ایجاد صلح در هنگام ناصح با خلق جهان‌های موازی

فراستخواه با بیان اینکه خلق جهان‌های موازی دومین سرفصل است، ادامه داد: «ایرانیان زیر آواری که با حمله‌ها و جنگ‌های متعدد بر سر آن‌ها آمده است، جهان‌های موازی ساختند تا در آن جهان‌های موازی زندگی کنند. دنیایی بر سر ایرانیان آوار می‌شود اما ایرانیان زیر این آوارها، جهان‌های موازی می‌سازند و زندگی می‌کنند تا بتوانند نفس بکشند و زندگی کنند؛ مثلاً فردوسی جهانی از زبان ساخت و ۳۰ سال برای ساخت این جهان تلاش کرد تا زبان فارسی را حفظ کند. او جهانی موازی ساخت تا ایرانیان با تاریخ، داستان و اساطیر خود زندگی کنند و آن را فراموش نکنند. فردوسی با روایت این داستان، کاری کرد تا ایرانیان همچنان به زندگی آری بگویند و وضعیت صلحی در وضعیت ناصح ایجاد کنند. ابوریحان بیرونی نمونه دیگری از حضور در عرصه علمی است که در دوره غزنوی زیست کرد و به تعلیم، تحقیق و پژوهش پرداخت. مولانا در دوره حمله مغول حضور داشته است. او برای ایرانیان جهانی معنوی می‌سازد تا وقتی دنیای واقعی و مادی ایرانیان از بین رفته است، بتوانند زندگی را ادامه دهند و تاریخ را طی کنند. حافظ در زمانی زندگی می‌کرد که شیراز پر از منازعه بود اما حافظ جهانی از غزل ساخت که در آن صلح و همبستگی رواج دارد. غزلیات حافظ تا امروز در کنار سجادهای ایرانی به ما شور زندگی و جرات زیستن و دوام می‌دهد. تجربه زیسته ایرانیان نشان می‌دهد در شرایط ناصح در پی صلح بودند و آن را به وجود می‌آوردند. نمونه دیگر آن هنجارهای همبستگی است؛ مثل سنت تقسیم آب در ایران که یک نمونه صلح ایرانی است. مردمانی با آب محدود ولی با تقسیم منابع سعی می‌کردند تا ثبات را فراهم کنند. اگر تاریخ ایران مدام پر از بی‌ثباتی و جنگ می‌بود ما نمی‌توانستیم هشت هزار سال دوام بیاوریم و حیات ذهنی و روانی داشته باشیم. امروز با دنیا تش داریم اما درون ملت و جامعه معنای صلح و مقاومت اخلاقی برای صلح وجود دارد و صدای صلح در سینه‌ها نهفته است؛ پیمایش‌ها نیز این موضوع را تأیید می‌کند و مردم در زندگی خود صلح را دنبال می‌کنند. ابتکارات مرزی و تجربه‌های در میان‌بودگی نشان می‌دهد که چطور ایرانیان توانستند، وساطت کنند و توافق‌هایی ایجاد کنند و شرایط ناصح را از طریق آن توافق‌ها به زندگی و تجربه‌هایی از صلح تبدیل کنند؛ مثل مناسک آشتی که «نوروز» یک از مراسم‌های مبادله لطف و آشتی است.»

مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس و استاد موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی ششم خرداد در ششمین همایش بین‌المللی صلح و حل منازعه که در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران برگزار شد با موضوع «زندگی در وضعیت ناصح» سخنرانی کرد و گفت: «تاریخ‌نویسی‌های فارسی در کلان روایت جنگ صورت گرفته‌اند. گویا در تاریخ ایران، تجربه‌های صلح وجود داشته است ولی به قدری کلان روایت بی‌نظمی، ناپایداری و جنگ وارد تاریخ ما شده که تجربه‌های صلح پنهان شده‌اند. تاریخ خصیصه گفتمانی دارد و ساخته می‌شود؛ پرساخت تاریخ ما به گونه‌ای بوده که در پاره خط‌های میان جنگ‌ها، صلح و نظم‌هایی وجود داشته است که کمتر دیده شده و در سایه قرار گرفته‌اند. ایران یک تداوم پاره خطی داشته اما در کنار این دیدگاه که ایران یک جامعه کوتاه مدت است، نگاه دیگری وجود دارد که ایران کاملاً یک جامعه کوتاه مدت نیست بلکه جامعه‌ای با تداوم پاره خطی است که نظم‌ها و صلح‌هایی در آن پاره خط‌ها وجود داشته است. هر فاتحی که در تاریخ آمده، سعی کرده تا روایت‌هایی ناصح را برجسته کند و بگوید که همه چیز به هم ریخته بود و من آدم، آن را درست کردم. این سرزمین ۸ هزار سال زندگی و تاریخ دارد که در آن اقتصاد، فرهنگ، هنر و... وجود داشته است. هم‌چنین شواهدی هست که در ایران آبادی و آسودگی بوده و مردم در آن پاره خط‌ها در آسایش زندگی می‌کردند؛ ولی متأسفانه گفتمان ناصح حاکم شده و زیست مردم در میانه‌های ناصح‌ها در حاشیه مانده است.

زیستن در شرایط ناصح

فراستخواه در ادامه گفت: «سؤالی که وجود دارد این است که ایرانیان چطور در شرایط ناصح دوام آوردند، زندگی کردند و در صلح زیستند؟ من با به دست آوردن شواهدی توانستم به این سؤال پاسخ دهم که علت آن چند سرفصل دارد که می‌توان به نهادهای اجتماعی خاندانی، ریش‌سفیدی و کدخدایی ایران؛ خلق جهان‌های موازی؛ روحیه شاعرانگی و عرفانگی در ایران؛ هنجارهای همبستگی ایرانی؛ مناسک آشتی در ایران، سنت‌های پهلوانی ایرانی، عملگرایی و خرد عملی در ایران؛ تجربه‌های میان بودگی در ایران و... اشاره کرد. نهادهای اجتماعی مثل وجود خاندان‌ها در ایران وجود داشته است. اساساً ایران به جای این که یک جامعه طبقاتی باشد در آن خاندان‌ها حضور داشتند که با سنت‌های کدخدایی و ریش‌سفیدی می‌توانستند، صلح و ثبات را در وضعیت‌های ناصح شکل دهند؛ مثلاً خاندان‌های «آریوزنتسو» ایران را در دوره ماد در برابر آشوریان حفظ کردند خاندان‌هایی مثل «اترو» در هنگام حمله اسکندر و سلوکیان، خاندان «نویخت» در هنگام حمله عرب، خاندان «جوینی» در هنگام حمله مغول، خاندان «فراهانی» در دوره معاصر و خاندان «فروغی» در جنگ‌های جهانی، ایران را حفظ و از زندگی در شرایط ناصح مراقبت کردند. هر قدرتی که می‌توانست سنت‌های اجتماعی، خاندان‌ها و طبقات اجتماعی را حفظ کند، دوام بیشتری داشت و صلح و ثبات را در جامعه ایجاد می‌کرد. مطالعه این شواهد تاریخی نشان دهنده این است که در این سرزمین عقلانیت و خرد عملی وجود داشته که ایران در سایه این خردمندی‌ها توانسته دوام بیاورد.»

راز توسعه‌نیافتگی

به همت مجله بخارا **شب فرشاد مومنی** برگزار شد

پریسا احدیان

خبرنگار فرهنگی

شب فرشاد مومنی هشتصدوپنجاهوششمین شبی بود که با کوشش مجله بخارا به مناسبت زادروز هفتاد سالگی ایشان، هشتم خرداد در محل دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد. در این شب علی دهباشی ضمن خوشامدگویی به مهمانان حاضر در این مجلس گفت: «عمده تمرکز استاد فرشاد مومنی در سال‌های اخیر بر تبیین و تحلیل عوامل توسعه‌نیافتگی اقتصاد ایران در دوره معاصر متمرکز بوده است و تلاش داشته‌اند تا در آثار خود با نگاهی تاریخی به ریشه‌های موفقیت‌ها و ناکامی‌های اقتصاد ایران بپردازند و در این مسیر آثاری چون: «علم اقتصاد و بحران در اقتصاد ایران»، «کالبدشناسی یک برنامه توسعه»، «آثار و پیامدهای فرهنگی عضویت ایران در گات» و «اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری» را نوشته و منتشر کرده‌اند.

اولویت‌های خوب مومنی

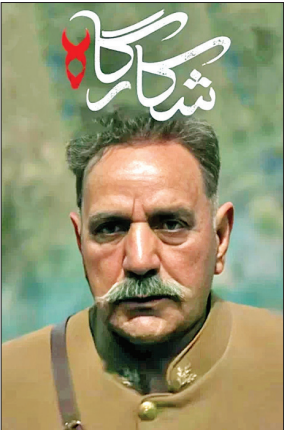
سپس شجاع احمدوند از خضایل دکتر فرشاد مومنی چنین گفت: «ارسطو یک تقسیم‌بندی در عرصه نظام‌های سیاسی دارد و دو معیار را برای تقسیم‌بندی در نظر می‌گیرد. یکی معیار عددی که حاکم یک نفر بوده یا گروهی است یا اکثریت هست. معیار دوم هم معیار فضیلت است که اگر همین سه گروه منافع خودشان را لحاظ کنند، می‌شود اشکال بد حکومت و اگر منافع همگان را لحاظ کنند، می‌شود اشکال خوب حکومت. بنابراین نظام‌تورانی و الیگارش‌ی و نظام دموکراسی از دید ارسطو اشکال بد حکومت هستند و از آن طرف نظام موناشرشی نظام آریستوکراسی و نظام جمهوری اشکال خوب حکومت هستند. من به قیاس همین بحث سعی کردم دو معیار را برای توصیف جناب استاد عرض کنم. می‌خواستم بگویم یک معیار ما نوع مهورهایی است که از مجموع مباحثی که جناب استاد در این سال‌ها کار کردند، استنتاج می‌شود و این که اگر فرد برای منافع شخصی خود بیشتر کار کند، اولویت بد یک فرد است و از طرفی اگر برای منافع جمعی و همگانی کار کند، می‌شود، اولویت خوب فرد. معیار دوم معیار روش علمی است. وقتی آثار آقای دکتر را ملاحظه می‌کنید، می‌بینید اولویت مسائل، مالی و شخصی نبوده و آنچه بیشتر تلاش کردند برای مسائل جمعی و ایران است. فکر می‌کنم بر اساس این دوگانه آقای دکتر اولویت خوب را انتخاب

گزارش شبکه‌خانگی

ارجاع به تاریخ

کارگردانان و پلتفرم‌ها تمایل زیادی برای ساخت سریال‌های **تاریخی** دارند

تاریخی پلتفرم‌های وی‌اودی خواهد افزود. البته دو سریال «بامداد خمار» و «سوشون» هر دو اقتباسی از داستان‌های تاریخی هستند اما همین که سازندگان این دو سریال، این دو داستان را برای اقتباس انتخاب کردند، نشان می‌دهد آن‌ها و صاحبان پلتفرم‌ها هم میل به روایت داستان‌های تاریخی دارند وگرنه داستان‌هایی به‌روز به‌وفور وجود دارند که می‌توان آن‌ها را تبدیل به سریال کرد؛ درست مانند آنچه در باره «زخم‌کاری» و «یاغی» رخ داد و هر دو با وجود اینکه تاریخی نبودند، تبدیل به مجموعه‌هایی پربیننده شدند. قصه سریال «سوشون» بر اساس رمانی با همین نام نوشته (سیمین دانشور» در سال‌های نخست حکومت محمدرضا پهلوی می‌گذرد و ماجراهای خانواد‌ای را روایت می‌کند که تحت‌تاثیر وقایع سیاسی و اجتماعی آن سال‌ها به‌خصوص اشغال ایران قرار می‌گیرند. اولین قسمت



کردند و منافع جمع را در نظر گرفتند. معیار دوم روش علمی است. دو گروه تأییدگرا و ابطال‌گرا وجود دارد که معمولاً گروه دوم نقدی بر گروه اول دارند. می‌گویند شما در بهترین حالت یک شواهد تجربی برای یک نظریه موجود دارید اما ابطال بر این است که شما با این نظریه کشتی می‌گیرید تا بتوانید آن را زمین بزنید، اگر زمین نخورد اعتبار دارد و اگر زمین خورد طبعاً نگاه جدیدی را باید داشته باشید. اصحاب رویکرد انتقادی بیشتر این نگاه دوم ابطال‌گرایی را در پیش می‌گیرند که برداشت من این است که آثار آقای دکتر با توجه نگاه انتقادی و تحلیلی از جنس دوم بوده است.»

در ادامه محمدرضا بهشتی درباره فعالیت‌های حزبی و روحیه انتقادی دکتر مومنی گفت: «آقای مومنی فردی بود که به لحاظ کار علمی در همان دوره دانشجویی بسیار جدی بود و جست‌وجوگر. دوم این‌که از همان ایام اهل حضور در عرصه اجتماعی و فعال در این زمینه‌ها بود. در حزب جمهوری اسلامی ایشان مسئولیت شاخه دانش‌آموزی را به عهده گرفتند که آن زمان کار بسیار مشکلی بود اما حسنش این بود که ایشان با نسل جوان گره خورد و تا امروز هم این رابطه حفظ شده است. با شکل‌گیری دفتر سیاسی حزب، دکتر مومنی از همان آغاز نقش موثری داشت و بخش اقتصادی دفتر را ایشان مدیریت می‌کرد و در آنجا جمع خوبی شکل گرفت. فصل جدیدی که در زندگی آقای مومنی باز شد، آشنایی با آقای عالی‌نسب بود. مواجه‌ای می‌تواند با موضوعات اقتصادی متمر ثمر باشد که هم وجهه نظری روشنی داشته و هم در عین حال در یک بخش آکادمیک محصور نشود و بتواند خود را نزدیک به مسائل ملموس اجتماعی نزدیک کند. آقای مومنی با پیگیری‌هایی که از آن ایام داشت و اهل خواندن بود، هیچ‌گاه به اندوخته‌های قبلش دلخوش نبود.»

نقاد خبرخواه

سپس حسین نمازی درباره آداب نقد در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی گفت: «یکی از ویژگی‌های بارز دکتر فرشاد مومنی ویژگی نقادی است. در مورد مسائل حساس مملکتی و تصمیماتی که گرفته می‌شود، سیاست‌های اقتصادی و... حساس هستند و صحبت‌هایی در نهایت وضوح و با استدلال، مستند به آمار و ارقام رسمی کشور می‌گویند. چنین فردی در درجه اول باید خلوص و خیرخواهی داشته باشد. سابقه‌شان نشان می‌دهد که ایشان هیچ وقت دنبال مقام و منافع شخصی نبودند. نکته دوم شرط نصیحت و انتقاد هست که نرمی در گفتار است.»

پس از آن، حسن عابدی جعفری به دو فصل فعالیت‌های دکتر مومنی



سال هشتم شماره ۱۹۸۲
شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۴

دیدگاه: یادداشت سینمایی

کاغذ بی خط

بحران مطالعه و نقد کتاب در سینما



مهرزاد دانش

منتقد

در چند نوبت از مجموعه نشست‌هایی که درباره نسبت کتاب و سینما در روزهای نمایشگاه کتاب تهران برگزار می‌شد به یکی از چالش‌های اساسی در این حوزه به دفعات اشاره شد که عبارت بود از فقدان مطالعه و نقد کتاب‌های سینمایی. به‌طور مشخص، یکی از کسانی که در این باره بسیار گله‌مند بود، «رضا کیانیان» بود که در پاسخ به پرسش‌هایی درباره اینکه چرا مثل سال‌های قبل کتاب نمی‌نویسد، اظهار کرده بود: «من دست‌به‌قلم هستم؛ اما چند سالی است که ننوشت‌ام. یکی از دلایلش، این است کتاب‌هایی که می‌نوشت‌م با اینکه پرفروش بودند و حتی در دانشگاه‌ها به آن‌ها ارجاع داده می‌شد اما نقدی در مورد این کتاب‌ها نوشته نمی‌شد و هرگز استادی از من دعوت نکرد در مورد کتاب‌هایم با دانشجوی‌ها حرف بزنم. حتی منتقدان نیز نقدی در مورد کتاب‌های من ننوشتند و گویا من اصلاً حرفی نزد‌ام». در نوبتی دیگر از این مجموعه نشست‌ها، «محسن آرم» منتقد سینما، مولف و مترجم کتاب‌های سینمایی نیز از زوایای دیگر این چالش را مطرح کرد: «کتاب‌هایی که روزی پرفروش و اثرگذار بودند حالا کمتر خوانده می‌شوند. به‌عنوان مثال کتابی که بابک احمدی درباره تارکوفسکی نوشته بود، زمانی محل بحث و گفت‌وگوهای فراوانی در محافل فرهنگی بود و افراد مهمی نظیر «ایرج کریمی» نقد‌هایی بر آن نوشتند. اما امروز نسل جوان کمتر به چنین آثار تحلیلی گرایش دارد. برخی ترجیح می‌دهند، سینما را فقط از راه تماشای فیلم یاد بگیرند و مطالعه را بی‌فایده می‌دانند».

بحران مطالعه در ادبیات سینمایی ایران، اگرچه تا اندازه زیادی می‌تواند، برآمده از بحران مطالعه در سطوح کلی‌تر جامعه باشد اما از این جهت که سینما، هنری به‌شدت وابسته به متن و ادبیات است، ماجرا حادث می‌شود. سینما در ذات خود هویتی بصری دارد که با ریتم و ضریب‌هنگ در بستر زمان، واقعیت و خیال را بازآفرینی می‌کند و این ویژگی در استناد به قصه، متن، سرگذشت، تاریخ، حکایت، جستار و ادبیات تیلور می‌یابد. این ساحت، نیاز به استمرار و احیا و نوشدگی دارد و چنین فرآیندی ممکن نیست مگر با بده‌بستان فرهنگی‌ای که بر اثر مطالعه و تحلیل ادبیات سینمایی حاصل می‌شود. واقعیت تلخ آن است که حتی بسیاری از سینماگران ایرانی به‌ویژه کارگردانان و فیلم‌سازان پیش‌تر از طریق تجربه عملی (کار در پروژه‌ها، دستیاری یا یادگیری در میدان) به سینما وارد شده‌اند تا مطالعه آکادمیک یا کتاب‌های نظری. این فرهنگ «کار عملی» باعث می‌شود، مطالعه کتاب‌های سینمایی (مانند نظریه فیلم یا تاریخ سینما) در اولویت نباشد. از سوی دیگر، سینماگران در ایران اغلب با چالش‌های مالی و زمانی مواجه هستند. تولید فیلم در شرایط کنونی اقتصادی، دشوار است و با بودجه‌های



توسعه‌یافتگی ایران و حل آن گذاشته‌اند. ایشان هنر کم نظیری در مطالعات بین‌رشته‌ای دارند.» محمدرضا واعظ‌مهدوی هم دربارهٔ تلاش مومنی در مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی گفت: «عصاره اندیشه آقای مومنی در نشان دادن حق و باطل جریان اصیل و هدایت‌گر و مردم‌گرا و تفکیک آن از جریانات ظاهر‌ساز و جریانات سرمایه‌محوری که خود را به هر جریان سیاسی وصل می‌کنند، مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی بود. ایشان نابرابری را پدیدهٔ آسیب‌زای قرن حاضر می‌شمارند و با استناد به مطالعات و نتایجی که سایر متخصصین اقتصادی و اجتماعی بیان کردند، آن را تهدید بزرگ تمدن بشری در دوران معاصر می‌دانند.»

در ادامه محسن زنای از خاطرات کلاس‌های استاد امیرحسین جهانگیرلو چنین گفت: «شاید در میان اقتصاددانان ایرانی تنها کسی که از دورهٔ دانشجویی مرا ارج می‌گذاشت و در مجامع عمومی تشویق می‌کرد، دکتر مومنی بود. آشنایی ما در کلاس‌های استاد جهانگیرلو بود و می‌دیدیم که دکتر مومنی به اتاق ایشان می‌رود و طولانی می‌نشینند و صحبت می‌کنند، آن هم دو فرد با دو فکر متفاوت و مدام در مورد مسائل روز اقتصاد ایران با دکتر جهانگیرلو مشورت کرده و این‌ها را به دستگاه‌های سیاست‌گذار منتقل می‌کند.»

امید به آینده

در پایان این شب دکتر فرشاد مومنی گفت: «من فرزند نسلی هستم که به نوعی تربیت شده‌ام تا به حقوق اجتماعی نسبت به حقوق شخصی، اولویت قائل شوم و امید به آینده را در وجود حفظ کنم. حقوق معلم‌ان و بیشتر حقوق بهشتی، شریعتی، جهانگیرلو و عالی‌نسب در زندگی من از همه بیشتر است. من دانشگاه را آگاهانه انتخاب کردم. از دل تجربهٔ نخست‌وزیری و تجربهٔ حزب جمهوری اسلامی به عینه مشاهده کردم در ذخیرهٔ دانایی مکتوب ایرانیان به‌ویژه از دریچهٔ اقتصاد سیاسی، اندیشه‌هایی که ثمریخش و اعتدایخش هستند، خیالی‌ترند و در آن‌ها به مناسبات رانتی بیشتر بها داده شده که از دل آن خبر جمعی حاصل نمی‌شود. از خداوند خواستم تا به من توفیق دهد، بسط‌دهندهٔ آن ادبیاتی باشم که به نام توسعه در دنیا تجربه‌اش را پس داده و در ایران هنوز در غربت به سر می‌برد.»

کارگردانی «نیما جابودی» بزودی در پلتفرم «فیلمو» پخش خواهد شد. جابودی پیش از این، «آکتور» را برای شبکه خانگی کارگردانی کرده بود. «اتاسیان» دیگر مجموعه در حال انتشار «فیلمو» نیز یک درام تاریخی با مایه‌های عاشقانه است که اشاراتی مشخص هم به رخدادهای تاریخی ماه‌های پایانی به انقلاب اسلامی دارد. نگاه‌سازنده این سریال به تاریخ و اتفاقاتی که در آن دوره رخ داده، مورد انتقاد بسیاری قرار گرفته و از منظر سیاسی این مجموعه همچنان با واکنش‌های بسیاری مواجه است. جالب آنکه مجموعه «دیو و مایه‌شونی ۲» محصول «نماوا» نیز که در ژانر فانتزی ساخته شده است به ابعاد تاریخی و اساطیری ماجراهای شاهنامه فردوسی اشاره دارد و از حضور «رستم» به‌عنوان یکی از شخصیت‌های پررنگ قصه بهره می‌برد. نمایش قریب‌الوقوع چند سریال تاریخی به‌صورت هم‌زمان در شرایطی رخ می‌دهد که صنعت سریال‌سازی نمایش خانگی، تجربه چندانی در حوزه سریال‌های تاریخی ندارد و برای نمونه در سال ۱۴۰۳ تنها دو مینی‌سریال ۹ قسمتی «اکازیون» و ۳ قسمتی «دختران کوچه غم» در ژانر تاریخی پخش شدند. با این حال، نگاهی به محبوب‌ترین سریال‌های نمایش خانگی در سال‌های گذشته نشان می‌دهد، شمار قابل‌توجهی از این آثار همانند «شهرزاد»، «می‌خواهم زنده بمانم»، «خاتون»، «رهایم کن»، «قهوه تلخ» و «جیران» تاریخی بوده‌اند. بنظر می‌رسد، استقبال تماشاگران از محصولات تاریخی، پلتفرم‌ها را به‌سوی تولید اینگونه آثار سوق داده است؛ اگرچه به‌علت هزینه‌های بالا و امکانات محدود تولید مثل شهرک‌های سینمایی پیش‌تر شمار این سریال‌ها کمتر بود. جالب آنکه، گفته می‌شود پلتفرم‌ها برای ساخت مجموعه‌های تاریخی با محدودیت سرمایه‌گذار نیز مواجه هستند چراکه بیلبوردهای تبلیغاتی معمول، امکان جانمایی در سریال‌های تاریخی را ندارند؛ از سوی دیگر، عده‌ای هم رخدادهای اجتماعی سال‌های اخیر را در کاشش تمایل سینماگران به ساخت درام‌های آپارتمانی موثر می‌دانند که به‌طور طبیعی، به افزایش تقاضا برای تولید فیلم‌ها و سریال‌های در گونه‌های دیگر مثل اکشن یا تاریخی انجامیده است. در این میان تلویزیون که سردمدار تولید سریال‌های تاریخی است، هر زمان سراغ ساخت قصه‌ای جذاب در گونه تاریخی رفته در نشانندن مخاطب پای گیرنده‌ها موفق عمل کرده است؛ از نمونه‌های قابل ذکر در این زمینه که در سال‌های اخیر پخش شده‌اند، می‌توان به «سرزمین مادری»، «سوجان»، «مهیاری عیار»، «بانوی عمارت» و... اشاره کرد.

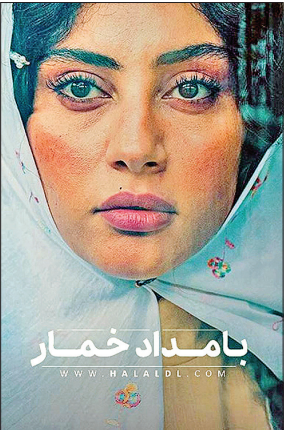
در زمینهٔ اقتصاد و تأسیس موسسهٔ دین و اقتصاد اشاره کرد و گفت: «فصل نخست زندگی کاری دکتر مومنی دهه اول انقلاب است که کارنامهٔ بسیار درخشانی از ایشان به جا گذاشته شده و برای همیشه در تاریخ این سرزمین ماندگار خواهد ماند. نمادی از کارآمدی دولت، پاک‌زستی بی‌نظیر کارگزاران حکومت و حمایت جانانه از تولید ملی، تأمین شرافت‌مندان، معیشت مردم، حفظ متغیرهای کلان اقتصادی و جذب حداکثر اعتماد مردم و سرمایه‌های اجتماعی. با پایان گرفتن این دوران درخشان فصل جدید در حیات اجتماعی جناب مومنی آغاز شد. به زوایای از حیات اجتماعی‌شان اشاره می‌کنم که شاید کمتر پرداخته شده است. یا گذشت دهه اول انقلاب دغدغهٔ حفظ میراث به‌شدت در میان کسانی که آن دوره را از نزدیک لمس کرده بودند، احساس می‌شد و نگرانی از حفظ و تداوم آن ایشان را بر آن داشت تا نهادی را شکل دهند که در ظرف آن نهاد می‌شد، اندیشه و اجرا را کم و بیش حفظ کرد و از آن دفاع کرد. ایشان با عده‌ای از دوستان بر آن شدند که موسسه مطالعات و پژوهش‌های دین و اقتصاد را بنیان بگذارند. یعنی نگرش نهادگرایی ایشان در شکل دادن به این بخش از همین جا آغاز شد.»

چشم نگران ایران

در بخشی دیگر حجت میرزایی از تأثیر دکتر مومنی در بخش‌های علمی و سیاسی و تداوم فعالیت‌های ایشان چنین گفت: «برخی از رویدادهایی که در کنار دکتر مومنی بودم به رویدادهایی پر‌دانه ملی تبدیل شده‌اند. دکتر فرشاد مومنی چشم نگران ایران زمین هستند. از استادان اقتصاد ایرانی نسل سوم هستند که در عرصه اقتصاد میراث‌دار اندیشه و دانش اساتید بزرگی چون جهانگیرلو و تمدن‌چهرمی و در شیوه و مشی کنشگری سیاسی پرورش یافته شهید بهشتی و در شکل‌گیری باورهای عمیق عدالت‌جویانه دانش‌آموختهٔ مکتب محمدرضا حکیمی هستند. ایشان در پنج دهه تلاش خود در حوزه توسعه و تسلط به روش‌ها و فنون پژوهش و ارتباطات کم‌نظیر با مدیران، بسیاری از فعالیت‌های پژوهشی متعارف را بر خود حرام کردند تا ذره‌ای بر رویه ذهنی‌شان تأثیر نگذارد. برخلاف بیشتر اقتصاددانان که مطالعات وسیعی دارند، دکتر مومنی در چهار دههٔ اخیر همهٔ اهتمام خود را بر مطالعات توسعه‌نه برای توسعه، نه جهت مطالعه بلکه برای فهم مسأله

«سوشون» جمعه (۹ خرداد ماه) در پلتفرم «نماوا» منتشر شد. این مجموعه یکی از سریال‌های پرهزینه شبکه خانگی است که مدت‌هاست پخش آن به‌تعلیق افتاده است و حالا پس از دو سال بالاخره فرصت انتشار پیدا کرد. «سوشون» هم‌داستانی عاشقانه و تلخ را در بستر تاریخ، روایت می‌کند که بخشی از تاریخ معاصر ایران و شرایط سیاسی و اجتماعی یک دوره تاریخی را به نمایش می‌گذارد.

در مجموعه «بامداد خمار» نیز که برگرفته از رمانی به همین نام نوشته «فتانه حاج‌سیدجوادی» است، قصه‌ای عاشقانه و سوزناک دارد که در اوایل دوران حکومت رضا پهلوی می‌گذرد؛ هر دوی این آثار را «ترگس آبیار» کارگردانی کرده است. «بامداد خمار» احتمالاً در تابستان روی خروجی پلتفرم «شیدا» خواهد رفت. «بامداد خمار» یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های دهه ۷۰ و ۸۰ بود که طیف بسیاری از جوانان را به خود جذب کرد و بسیاری با خواندن این اثر، کتاب‌خوان شدند. این داستان نسبت به سریال‌های تاریخی‌ای که هم‌زمان با آن پخش می‌شوند به روزگار ما نزدیک‌تر است و در دوران پهلوی رخ می‌دهد اما در این مجموعه، تنها یک داستان عاشقانه روایت می‌شود بدون اینکه به موضوعات سیاسی یا اجتماعی دوران خود نگاه ویژه‌ای داشته باشد. از «شکارگاه» سومین مجموعه تاریخی در شرف انتشار، اطلاعات زیادی منتشر نشده است اما گفته می‌شود این اثر در دوران قاجار می‌گذرد اما به وقایع تاریخی روشنی اشاره ندارد. این مینی‌سریال به





سال هشتم شماره ۱۹۸۲
شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۴

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

بازار سهام

تب سرد بورس

بازار سهام چگونه گرفتار حواشی خودروسازان شد؟

نسربین خدادادی

گروه اقتصاد



هفته گذشته، بازارهای مالی ایران در فضایی بنسبیت آرام به کار خود پایان دادند. قیمت دلار در بازار آزاد، تحت‌تاثیر اخبار مثبت از مذاکرات سیاسی ایران و آمریکا با کاهشی جزئی در محدوده ۸۲ هزار تومان تثبیت شد. قیمت سکه نیز با تخلیه حباب به ۷۲ میلیون تومان رسید و کاهشی ۰/۵ درصدی را ثبت کرد. در مقابل، بورس تهران با وجود حواشی مربوط به دوخودروساز بزرگ، پیشتاز بازارها بود. شاخص کل بورس با رشد ۰/۶۸ درصدی در سطح ۱/۳ میلیون واحد ماندگار شد و شاخص هم‌وزن با افزایش بیش از یک‌درصدی به ۹۶۴ هزار واحد رسید. قیمت نفت نیز تحت‌تاثیر تحولات جنگ‌های تجاری، روندی نزولی داشت.

بازار سهام در هفته‌ای که گذشت با حواشی زیادی همراه بود. مباحث ایجاد شده پیرامون واگذاری سهام خودروسازان باعث شد، بازدهی قابل‌توجهی از بازار مذکور مشاهده نکنیم. شاخص کل بورس با رشد بیش از ۰/۶۸ درصدی در محدوده سه میلیون و ۱۳۰ هزار واحد باقی ماند. شاخص هم‌وزن برخلاف نماگر اصلی، پیشتاز بازار بود. با توجه به وضعیت ریسک‌های اثرگذار بر روند بازار سهام که به‌طور مشخص، غلبه هیجانات منفی را به‌دنبال دارد؛ ارزش معاملات خرد متاثر از گسترش صفوف خریدوفروش به محدوده ۱۰ همت کاهش یافت؛ ضمن آنکه در یک هفته گذشته، تنها ۵۰۰ میلیارد تومان سرمایه حقیقی جذب بازار سهام شد.

بورس تهران با وجود پتانسیل صعود ناشی از اخبار مثبت مذاکرات، تحت‌تاثیر حواشی خودروسازان نتوانست رشد قدرتمندتری ثبت کند؛ با این حال شاخص کل با حمایت قوی در سطح ۱/۳ میلیون واحد، جایگاه خود را حفظ کرد. شایعات تکذیب شده درباره واگذاری خودروسازان، یادآور ناکامی‌های دو سال اخیر بورس از جمله، نامه «۱۷ اردیبهشت» و دست‌کاری سودآوری پالایشی‌ها بود و روندی خسته‌کننده برای بازار رقم زد؛ در مقابل، صنایع کوچک و متوسط با انتشار گزارش‌های ماهانه و فصلی قوی در سامانه کدال، فضایی مثبت برای شاخص هم‌وزن ایجاد کردند که تنها ۴ درصد با سطح یک میلیون واحد فاصله دارد. کاهش ارزش دلاری بازار، به‌دلیل تقویت پول ملی مقابل دلار، فرصت خرید جذابی را برای سرمایه‌گذاران فراهم کرده است.

ارزش معاملات خرد در هفته گذشته به حدود ۱۰ همت رسید که ۲۶ درصد کمتر از میانگین هفته قبل بود. هیجانات بازار وصف‌های خریدوفروش از عوامل کاهش معاملات بودند. همچنین ورود تنها ۵۰۴ میلیارد تومان پول حقیقی در مقایسه با خروج ۷/۵ همتی در دو هفته قبل نشان‌دهنده احتیاط سرمایه‌گذاران است. با این حال، گزارش‌های مثبت صنایع کوچک، انتظارات برای رشد این نمادها را تقویت کرده و احتمال ریزش جدی شاخص هم‌وزن را کاهش داده است.

دو سناریو برای آینده بورس قابل تصور است. در سناریوی خوش‌بینانه با کاهش ریسک‌های مربوط به خودروسازان و اخبار موثق از توافق سیاسی احتمالی، شاخص کل می‌تواند از سطح ۱/۳ میلیون واحد عبور کرده و به ۱/۳۳ میلیون واحد یا بالاتر برسد. شایعات توافق موقت نیز می‌تواند این روند را تقویت کند؛ هرچند بی‌اعتمادی به نهاد ناظر و طولانی شدن مذاکرات، شناس این سناریو را کاهش می‌دهد. در سناریوی بدبینانه، پیچیده‌تر شدن مذاکرات و تداوم حواشی خودروسازان می‌تواند، الگوی نزولی سروشانه را فعال کند. در این حالت، شاخص کل ممکن است تا حمایت ۱/۳ میلیون واحد یا حتی یک میلیون واحد عقب‌نشینی کند با P/E بازار در محدوده ۷ یا کمتر. با این حال، مذاکرات جاری احتمالاً مانع افت شدید P/E به سطوح سال گذشته می‌شود. در صورت ورود اخبار مثبت، پول‌های جدید می‌توانند روندی صعودی با وقفه زمانی ایجاد کنند.

ادامه تیتیر یک

پیروزی صبر و امید



تیمی که در طول فصل، بارها زیر فشار انتقادات و ناکامی‌ها کمر خم کرده بود، در ثابتهای پایانی نشان داد که قلبش هنوز برای قهرمانی می‌تپد. بازیکنان، که انگار روح هواداران را در زمین به‌عاریت گرفته بودند با تمام وجود جنگیدند. مربیان با تاکتیک‌های هوشمندانه و مدیریت روانی تیم، راه را برای این لحظه هموار کردند. آن شب، استقلال نه‌فقط یک جام بلکه غرور و هویتش را بازیافت. این پیروزی، فراتر از یک بازی، روایتی بود از امید، اعتماد و اتحاد که تا ابد، در خاطر آبی‌ها حک شد.

موفقیت استقلال در جام حذفی با وجود مشکلات آشکار و پنهان این فصل که منجر نتایج ضعیف در لیگ شد به چند عامل کلیدی برمی‌گردد؛ مهم‌ترین عامل، صبر و امید هواداران این تیم است که هیچ‌گاه تیم خود را رها نکردند و پشت آن ایستادند و نشان دادند «پایان هر شب سیاه، سپید است». مالک باشگاه استقلال نیز به مدیران خود اعتماد کرد و مدیران باشگاه نیز به نیروی انسانی خود اعتماد کردند و به این ترتیب، تیمی که بارها تا مرز فروپاشی پیش رفت در فصلی که قیپ دستش از همه موفقیت‌ها کوتاه بود به جامی خاطره‌انگیز دست یافت. سرمایه مالی و انسانی هر دو در موفقیت استقلال در جام حذفی نقش داشتند اما تاثیرشان متفاوت بود. سرمایه مالی با تأمین امکانات و تمرینات مناسب، بستر لازم برای تمرین و رقابت را فراهم کرد اما همان‌طور که اقتصاددانان تأکید کرده‌اند، پول به تنهایی کافی نیست؛ نتایج ضعیف لیگ، گواه این موضوع است. سرمایه‌انسانی شامل بازیکنان، کادر فنی و هواداران، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. مهارت و تجربه بازیکنان در لحظات حساس مانند گل دیر هنگام و تصمیم‌گیری‌های تاکتیکی مربیان در بازی‌های حذفی، کلید پیروزی بود. انگیزه و روحیه تیمی به‌عنوان بخشی از سرمایه انسانی، تیم را مقابل ناملایمات مالی و فشارهای روانی مقاوم کرد. حمایت پرشور هواداران نیز به‌عنوان سرمایه انسانی غیرمستقیم، جو روانی مثبتی ایجاد کرد که در بازی‌های حساس

حذفی به تیم انرژی مضاعف داد. در مجموع سرمایه انسانی با تکیه بر انسجام، استراتژی و انگیزه، نقشی کلیدی‌تر از سرمایه مالی در این موفقیت ایفا کرد. کنار این عوامل از روحیه جنگندگی و انسجام تیمی استقلال در بازی‌های حذفی نباید به آسانی گذشت که در لحظات حساس مانند به ثمر رساندن گل دیر هنگام «روزیه چشمی» تفاوت‌های بزرگ را رقم زد. همچنین باید به نقش مربیان در تدوین استراتژی مناسب در مسابقات حذفی اشاره کرد که با تمرکز بر دفاع منسجم و استفاده از فرصت‌های محدود، تیم را به پیروزی رساندند. همچنین باید به انگیزه بالای بازیکنان برای جبران ناکامی‌های لیگ هم اشاره کنیم که باعث شد در جام حذفی با تمام توان بازی کنند؛ درنهایت، حمایت هواداران و جو روانی مثبت در بازی‌های حذفی، انرژی مضاعفی به تیم داد. با این توضیح، اگرچه نویسنده این گزارش یک اولترا استالانی است اما گزارش درباره تیم استقلال نیست و قرار است، درس‌های این قهرمانی را برای جامعه ایران مرور کند؛ اما این درس‌ها چه چیزی هستند؟!

قهرمانی استقلال در جام حذفی ایران درس‌های زیادی برای جامعه دارد؛ طرفداران تیم استقلال نشان دادند، صبر عنصر مهمی در موفقیت است. بازیکنان استقلال نشان دادند امید برای موفقیت چقدر اهمیت دارد و ناامیدی می‌تواند یک جامعه را به قعر ببرد. مربیان تیم نیز نشان دادند، داشتن نقشه راه و بی‌توجهی به حواشی برای رسیدن به موفقیت چقدر اهمیت دارد. چه شباهتی میان جامعه امروز ایران و جامعه طرفداران تیم استقلال وجود دارد؟ جامعه امروز ایران و جامعه طرفداران تیم استقلال، شباهت‌های عمیقی در پویایی‌های اجتماعی، عاطفی و رفتاری دارند که می‌توان آن‌ها را در چارچوب درس‌های برآمده از قهرمانی استقلال در جام حذفی ایران بررسی کرد.

نخست، صبر به عنوان یک عنصر کلیدی در موفقیت در هر دو جامعه نمود دارد. همان‌گونه که هواداران استقلال با تحمل

ناکامی‌های پیشین و حمایت مداوم از تیمشان به موفقیت رسیدند، جامعه ایران نیز در مواجهه با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیازمند صبر و استقامت برای عبور از دشواری‌هاست. این صبر نه به معنای انفعال بلکه به‌صورت تلاش مستمر و باور به بهبود شرایط در هر دو گروه دیده می‌شود.

دوم، نقش امید به‌عنوان محرکی برای پیشرفت در هر دو جامعه برجسته است. بازیکنان استقلال با حفظ امید در لحظات دشوار بازی‌ها نشان دادند که باور به امکان پیروزی حتی در شرایط سخت می‌تواند به نتیجه‌ای مثبت منجر شود. در جامعه ایران نیز امید به آینده‌ای بهتر با وجود مشکلات موجود، می‌تواند انگیزه‌ای برای تلاش‌های جمعی و فردی باشد. ناامیدی، همان‌گونه که در ورزش می‌تواند عملکرد تیم را تضعیف کند، در سطح اجتماعی نیز می‌تواند به انفعال، ناامیدی و فروپاشی انگیزه‌ها منجر شود.

سوم، اهمیت داشتن نقشه راه و تمرکز بر اهداف، فارغ از حواشی در هر دو مورد قابل‌توجه است. مربیان استقلال با برنامه‌ریزی دقیق و بی‌توجهی به انتقادات و حاشیه‌ها، تیم را به سوی قهرمانی هدایت کردند. در جامعه ایران نیز وجود برنامه‌ریزی کلان، چه در سطح سیاست‌گذاری‌های کلان و چه در سطح تلاش‌های فردی و جمعی برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای و اجتماعی ضروری است. حواشی و اختلافت، اگر مورد توجه بیش از حد قرار گیرند، می‌توانند انرژی و منابع جامعه را هدر دهند.

درنهایت، هر دو جامعه از یک حس تعلق و هویت جمعی قوی برخوردارند. طرفداران استقلال با اتحاد حول تیمشان، نیروی محرکه‌ای برای موفقیت ایجاد کردند. در جامعه ایران نیز حس هویت ملی و همبستگی می‌تواند به‌عنوان عاملی برای غلبه بر مشکلات عمل کند. این شباهت‌ها نشان می‌دهند که درس‌های موفقیت در ورزش مانند صبر، امید، برنامه‌ریزی و اتحاد می‌توانند به‌عنوان الگویی برای پیشرفت در سطح کلان جامعه به کار گرفته شوند.

آگهی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان نوشهر

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون اخیر الذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاریخ های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد.

املاک متقاضی واقع در قریه بندپی پلاک ۴ بخش قشلاق کلاسه ۱۴۰۳/۱۰۴۲

پلاک ۲۱۱۰ فرعی رای شماره ۵۴۶۵/۳۱۰۰۷۰۵۴۶۵ آقای عباس علی خواه فرزند محمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۲۰۵۰۶ مترمربع خریداری بدون واسطه/یا واسطه از آقای علی قیصری فیروز

ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۳ لذا از متقاضی و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتفاقی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور بهم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶ آئین نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضائی نمایند در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

شناسه آگهی: ۱۹۳۷۹۳۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

علی اکبر مقدسی فر
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۳۰۱ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.

املاک متقاضی واقع در قریه بندپی پلاک ۴ اصلی بخش قشلاق کلاسه ۱۴۰۳/۱۰۴۲

پلاک ۲۱۱۰ فرعی رای شماره ۵۴۶۵/۳۱۰۰۷۰۵۴۶۵ آقای عباس علی خواه فرزند محمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۲۰۵۰۶ مترمربع خریداری بدون واسطه/یا واسطه از آقای علی قیصری فیروز.

لذا به موجب ماده ۳۴ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی اکثیرالانتشار در شهر منتشر و در روستا علاوه برانتشار آگهی ، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به رای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۴ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب را در اولین آگهی نویتی و تحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

شناسه آگهی: ۱۹۳۷۹۳۶

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

علی اکبر مقدسی فر
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

تصادف آقازاده با قانون

تصادف پسر علی نیکزاد در میدان ونک با یک پلیس واکنش‌های گسترده‌ای به همراه داشته است

گروه اجتماعی: براساس گزارش رسمی نیروی انتظامی، صبح یک‌شنبه ۴ خرداد ۱۴۰۴ در ضلع غربی میدان ونک تهران خودروی محمدحسن نیکزاد (فرزند علی نیکزاد، نماینده مجلس و نایب‌رئیس آن) توسط پلیس متوقف شد. سرهنگ خیشه، رئیس منطقه سه پلیس راهور تهران بزرگ در گفت‌وگو با خبرگزاری پلیس گفته است که این خودرو خلاف جهت وارد مسیر یک‌طرفه شده و در همان حال به‌طور «غیرعمد» با او برخورد کرد و وی مصدوم شد.

بلافاصله پس از حادثه، خودرو متوقف و «اعمال قانون» شده است. برخلاف برخی گزارش‌های اولیه، این خودرو رها نشده و تخلیفات راننده (عبور از مسیر یک‌طرفه و برخورد با مأمور) پیگیری شده و خودرو به پارکینگ منتقل و پرونده قضایی تشکیل شده است. به گفته سرهنگ خیشه، خانواده نیکزاد بلافاصله در بیمارستان حضور یافتند، از حادثه ابراز تأسف و تأکید کردند که مراحل قانونی طی شود. خود خیشه نیز اعلام کرده در حال حاضر در محل کارش حضور دارد و برخلاف شایعات، حادثه شدیدی رخ نداده و «در صحت و سلامت» است.

گزارش اجتماعی

خودکشی ناموفق در زندان

تتلو به دلیل مصرف قرص در بیمارستان بستری شده است

گروه اجتماعی: «تتلو در زندان خودکشی کرده است»؛ این خبری است که روز جمعه (۹ خرداد ۱۴۰۴) در رسانه‌ها به‌سرعت منتشر شد. خبرگزاری «فارس» نوشت که «مقصودلو در زندان با مصرف قرص اقدام به خودکشی کرده و بلافاصله به بیمارستان منتقل شده است»؛ «تابناک» نیز از زبان منابع نزدیک گزارش داد که او «بامداد جمعه «نهم خردادماه» در پی اقدام به پایان زندگی خود، در بیمارستانی در تهران بستری شده است.» روزنامه هفت‌صبح نیز با اشاره به وخامت حال جسمی او نوشت که تتلو «پس از ناامیدی از عفو، خواستار اجرای حکم اعدام شده بود و بعد از خودکشی به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شد». هم‌زمان، رسانه‌های مختلف به نقل از نزدیکان این خواننده برحاشیه، خبر از وخامت حال او در روزهای اخیر پیش از حادثه داده‌اند.

مرکز رسانه قوه‌قضاییه در اطلاعیه‌ای رسمی، خبر «مسمومیت» امیرحسین مقصودلو را تایید کرد. طبق این اطلاعیه «در پی بروز مسمومیت برای امیرحسین مقصودلو ملقب به «تتلو»، او به یکی از مراکز درمانی تهران منتقل شد و شرایط

وی تحت‌نظر پزشکان متخصص قرار گرفت». قاضی ارشد قضایی نیز اعلام کرد که با درمان‌های تخصصی حال عمومی تتلو، مساعد و تحت‌کنترل است. به‌گزارش خبرگزاری «میزان» (وابسته به مرکز رسانه قوه‌قضاییه)، «شرایط وی تحت کنترل بوده و حال عمومی او مساعد است». به‌عبارت دیگر، مقامات قضایی «مسمومیت» او را تایید کردند.

واکنش خواهر و نزدیکان تتلو در فضای مجازی

نزدیکان تتلو در شبکه‌های اجتماعی نیز واکنش نشان داده‌اند. «نسیم مقصودلو»، خواهر او در یک استوری اینستاگرامی نوشت: «مارو ببخش که امیر تتلوداری بلد نیستیم، ۵۰ ساله هنرمندی در حد تو نداشتیم و بلد نیستیم چه جوری باید درکش کرد»؛ این نوشته مبهم در پاسخ به بحران روحی و جسمی برادرش تعبیر شده و نشان‌گر نگرانی خانواده از وضعیت روحی اوست. برخی منابع خبری به نقل از نزدیکان نیز می‌گویند، تتلو از بلا تکلیفی پرونده خشمگین است؛ این منابع مدعی‌اند که او در هفته‌های گذشته از «بی‌نتیجه ماندن توبه و درخواست عفو» ابراز ناامیدی کرده

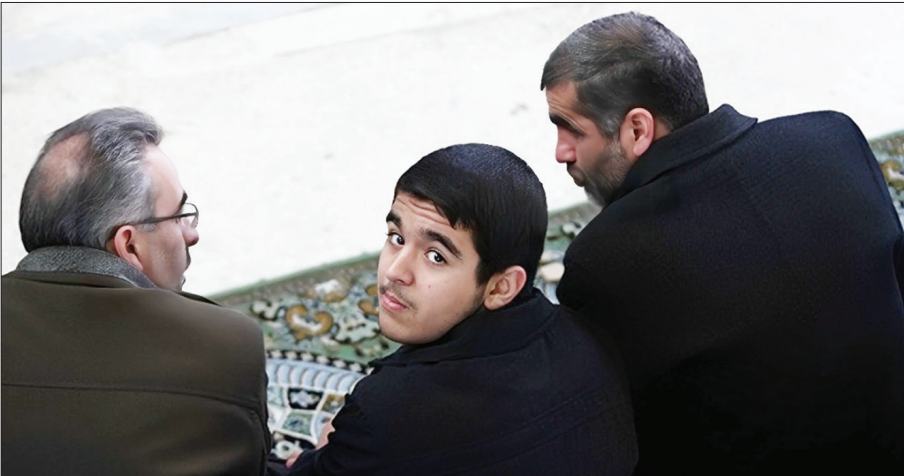
روایت‌های متناقض رسانه‌ای

طی چند روز گذشته، روایت‌های متفاوتی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی از این تصادف منتشر شده است. بولتن‌بوز به نقل از منابع پلیسی نوشت که «فرزند نماینده مجلس افسر پلیس را زیر گرفت و متواری شد» و مدعی شد، راننده پس از چند ساعت با مداخله پدرش آزاد شده است. برخی رسانه‌های دیگر هم گزارش دادند که پس از تصادف هیچ پرونده قضایی درست‌وحسابی در کار نبوده و ماجرا به سرعت «جمع‌وجور» شده است. برای نمونه، رویداد ۲۴ به نقل از «فراز» نوشته است «آقای نایب رئیس ظرف چند ساعت ماجرای تصادف فرزندش را جمع و جور کرده و پرونده را بسته است». به عبارت دیگر برخی منابع مدعی سوءاستفاده از نفوذ سیاسی برای مختومه کردن سریع پرونده شده‌اند. این ادعاها اما با اظهارات رسمی پلیس در تضاد است: همان‌طور که اشاره شد، پلیس اعلام کرده پرونده تشکیل و رسیدگی آغاز شده است.

واکنش‌ها و انتقادهای

انتشار این ماجرا و سکوت مقام‌های رسمی، انتقادهای

فراوانی برانگیخته است. چهره‌های سیاسی و کاربران شبکه‌های اجتماعی ضمن اعتراض به رفتار «دوگانه» در برخورد با فرزندان مسئولان از نیکزاد خواسته‌اند، توضیح دهد. برای مثال محمد مهاجری (روزنامه‌نگار اصولگرا) در کانال تلگرامی خود نوشته است: «واقعاً ملاحظه چه کسی را می‌کنند و چرا اعتبار نیروی انتظامی مملکت را خرج یک آقازاده می‌کنند؟... سرمایه اجتماعی پلیس که همان اعتماد عمومی است باید زیر پای یک نماینده مجلس و فرزندش له شود؟» رسانه شرق نیز در سرمقاله خود هشدار داده است که چنین برخوردهای غیرشفاف و «عدم رسیدگی به متخلف از زمان تصادف تا امروز» به تضعیف اعتماد عمومی خواهد انجامید. علاوه بر این، افکار عمومی و نهادهای مدنی خواستار پاسخگویی شفاف و عذرخواهی رسمی علی نیکزاد شده‌اند؛ خواسته‌ای که در جهت حفظ عدالت و عدم تبعیض مطرح شده است.



پیامدهایی برای اعتبار نهادهای

این ماجرا از منظر بسیاری ناظران فراتر از یک تصادف معمولی است و به اعتبار نهادهایی مانند مجلس آسیب می‌زند. کارشناسان حقوقی و رسانه‌ها تأکید می‌کنند اگر قانون در مورد مسئولان و خانواده‌هایشان سختگیرانه اجرا نشود، اعتماد عمومی به اجرای عدالت از بین خواهد رفت. به قول حقوقدانان «عدم رسیدگی با متخلف و سوءاستفاده از موقعیت پدر» باعث «زوال اعتماد عمومی» می‌شود. تصور سیاسیون و افکار عمومی این است که مسئولان باید خود را در برابر قانون مانند سایر شهروندان بدانند؛ چنانکه گذشته درخشان رخداد سبلی زند یک نماینده به سرباز راهور در سال ۱۳۹۹ با دخالت قوه قضائیه به استعفاي فرد متخلف انجامید، اکنون نیز انتظار می‌رود علی نیکزاد در قبال رفتار فرزندش پاسخگو باشد. به‌عبارت دیگر، ادامه روند کنونی (سکوت و رفع‌وجوع غیرعلنی) می‌تواند مشروعیت مجلس را در چشم مردم زیر سؤال ببرد و پرورش نگاه تفسیر دوگانه از قانون را به دنبال داشته باشد.

قضایی

نماوا فیلتر شد



اطلاع‌رسانی قوه قضاییه اعلام کرد: شبکه نمایش خانگی نماوا بدلیل امتناع از انجام تعهدات قانونی نیز مسدود شد. سریال سووشون محصول شبکه نمایش خانگی است. این سریال به‌دلیل عدم‌دریافت مجوزهای قانونی توقیف شد. این ارگان اطلاع‌رسانی یادآور شد: با توجه به تخلف صورت‌گرفته از سوی شبکه نمایش خانگی نماوا و امتناع آن از انجام تعهدات قانونی، این پلتفرم مسدود شد.

سریال سووشون براساس کتاب سووشون اثر سیمین دانشور، ساخته شده است. این رمان یکی از مهم‌ترین رمان‌های معاصر فارسی است که در سال ۱۳۴۸ منتشر شد. این اثر اولین رمان بلند فارسی‌ست که توسط یک زن نوشته شده و به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است.

رمان در دهه ۱۳۲۰ شمسی در شهر شیراز و در دوران اشغال ایران توسط نیروهای متفقین (در جنگ جهانی دوم) اتفاق می‌افتد.

داستان دربارهی زندگی یک زن به نام زری است که با همسرش یوسف خان زندگی می‌کند. یوسف، مردی وطن‌دوست، شجاع و اهل اندیشه است که در برابر ظلم و فساد زمانه‌اش می‌ایستد. او از اشراف‌زاده‌هایی است که نمی‌خواهد زمین‌ها و محصولاتش را برای منافع اشغالگران انگلیسی بفروشد یا با حکومت فاسد وقت همکاری کند. زری، زنی تحصیل‌کرده، باوقار و نسبتاً محافظه‌کار است که در عین داشتن دغدغه‌های اجتماعی، بیشتر نگران امنیت و آرامش خانواده‌اش است. تضاد میان این دو شخصیت (یوسف انقلابی و زری محتاط) هسته مرکزی کشمکش‌های رمان را شکل می‌دهد.

در حالی که کشور درگیر قطعی و بیماری بخاطر اشغال جنوب ایران توسط انگلیسی‌ها در جنگ جهانی دوم است، حاکم عروسی مجللی برای دخترش برگزار می‌کند. زری و یوسف برخلاف انتظار به مراسم می‌روند. زری نگران است که یوسف با انتقاد از ریخت‌وپاش‌های مجلس، خشم حاکم را برانگیزد؛ چرا که یوسف باور دارد این هزینه‌ها باید صرف نجات مردم از گرسنگی و فقر شود.

بر اساس اعلام سازمان زندان‌ها، تتلو پس از انتقال از مرز بازرگان به ایران «بلافاصله با دستور قضایی بازداشت شد» و تحقیقات قضایی درباره اتهاماتش آغاز شد. هم‌زمان برخی رسانه‌ها از وجود چندین شاکی خصوصی (ازجمله خانواده‌های نوجوانانی که به‌گفته قوه‌قضاییه مورد اغوا قرار گرفته‌اند) در پرونده او خبر داده‌اند.

او اتهاماتی چون «تشویق به فساد و فحشا در بین نوجوانان» و «توهین به مقدسات» را داشته است. بر اساس گزارش قوه‌قضاییه، تتلو در شعبه «۲۶» دادگاه انقلاب تهران، به‌اتهام «تشویق به فساد و فحشا» درمجموع به ۱۰ سال حبس محکوم شده است و پرونده دیگری به اتهام توهین به مقدسات نیز در جریان دارد. برای او ابتدا، حکم ۵ سال حبس به‌اتهام توهین به مقدسات صادر شده بود اما پس از فرجام‌خواهی دیوان عالی کشور، این پرونده مورد تجدیدنظر قرار گرفت و درنهایت به اعدام منتهی شد؛ سخنگوی قوه‌قضاییه نیز تصریح کرده که حکم اعدام در حال حاضر، «قطعی و قابل‌اجرا» است اما وکیل او درخواست پذیرش توبه و اعاده دادرسی داده که در دستور بررسی قرار دارد.

شرایط توزیع و مصرف دارو در زندان

بحثی که در پی این حادثه مطرح شده، وضعیت دسترسی به دارو در زندان‌هاست اما با این حال، پیش از این نیز سازمان زندان‌ها این ادعاها را تکذیب و تاکید کرده که مراقبت پزشکی و نظارت بر داروها در تمام زندان‌ها برقرار است. بر اساس اطلاعیه رسمی این سازمان که خبرگزاری صداوسیما آن را منتشر کرده است، «همه زندانیان به‌صورت ۲۴ ساعته به پزشک دسترسی دارند و نحوه مصرف دارو در تمام زندان‌ها تحت نظارت تیم‌های پزشکی است»؛ به‌گفته مسئولان زندان‌ها، برنامه‌ای برای ارائه داروهای آرام‌بخش به‌صورت سیستماتیک وجود ندارد و ادعاهای خلاف این موضوع را «تبلیغات غیرواقعی» معرفی کرده‌اند. سازمان زندان‌ها می‌گوید، امکانات پزشکی و دارویی به‌ویژه در بخش‌های بهداشت و درمان زندان، تحت‌نظر اساتید متخصص تامین شده و دسترسی آزاد زندانیان به خدمات بهداشتی و دارویی همیشگی است.



از پیرطردارترین و جنجالی‌ترین خواننده‌ها و «سلبیریتی»‌های ایرانی شناخته می‌شود. تتلو طرفداران خود را «تلبیتی» (نام یکی از آلبوم‌های امیر تتلو) می‌خواند.

امیر تتلو پیشینه جنجالی و ضدوقتیضی دارد. او از سال ۱۳۹۲ تاکنون چند بار توسط «پلیس امنیت اخلاقی» بازداشت شده است؛ در سال ۱۳۹۲ برای ضبط کلیپ‌های رپ زیرزمینی و در سال ۱۳۹۵ به‌اتهام اشاعه فساد و به‌مدت بیش از دو ماه در بازداشت موقت به‌سپر برد. همچنین صفحه اینستاگرام او که میلیون‌ها دنبال‌کننده داشت، دو بار (سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹) به‌دلیل «تقض قوانین» بسته شد؛ در یکی از این موارد، رسانه‌ها گزارش کردند که او با الفاظ رکیک علیه زنان رفتار کرده و حتی از هواداران مرد خود خواسته بود «زنان را کتک بزنند». حمایت این خواننده پاپ از «محمدباقر قالیباف» و «ابراهیم رئیسی» کاندیداهای اصول‌گرایان در کارزار انتخابات ریاست جمهوری هم خبرساز شده بود. او سال‌ها خارج از کشور (از جمله ترکیه و انگلیس) موسیقی تولید کرد و پناهندگی گرفت اما ناگهان اواخر ۱۴۰۲ اعلام کرد، می‌خواهد به ایران بازگردد و بر همین مبنا در ترکیه بازداشت و تحویل ایران شد.

